

رستاخیزی مجدد در هنر ایران

همچون آتش زیر خاکستر

● دکتر محمد خزایی

تیتوس
بورکهارت در کتاب
«هنر اسلامی، زبان و
بیان» می‌گوید هنر
نقاشی ایران از قرن
دهم هجری به مجرد
برخورد با هنر
فرنگی رایج زمانه
مانند حباب ناکهان
ترکید و ناپدید گشت.
(^۱) در مقابل این نظر
عده‌ای دیگر از
کارشناسان هنر
ایران از جمله بازلی
گری در مورد آینده
هنر ایران، پیش بینی
کرده‌اند که بدون
شک رستاخیزی
مجدد در میان این
قوم هنرمند به وقوع
خواهد پیوست. (^۲)



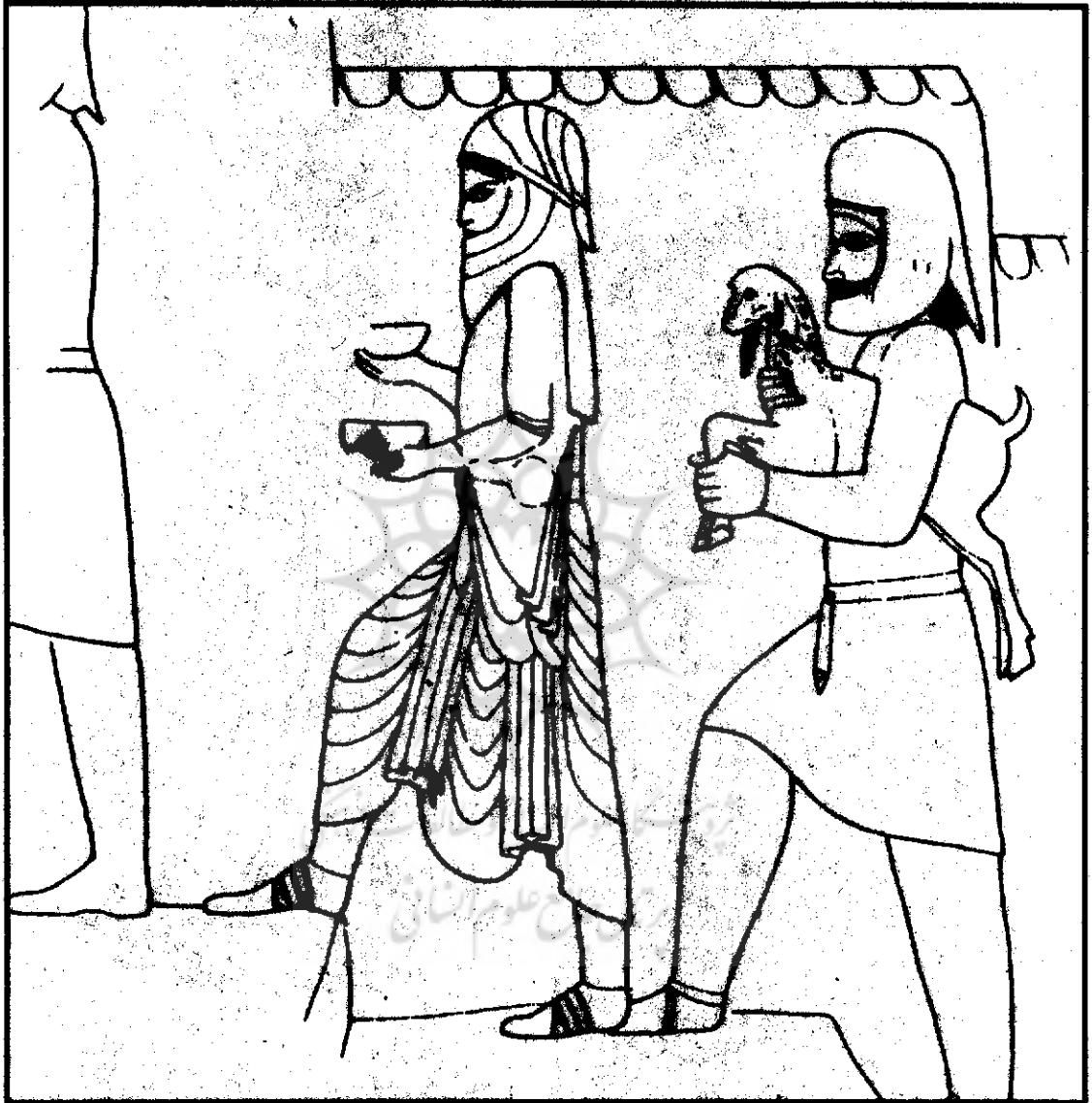
فوق که بر واقع بحث امروز عمدی از صاحب نظران مثل نظیر فنز می باشد. پرداخته شود. عمدی هنر اصیل ایرانی را با ویژگیهای خاص خود در هنر غربی هنر غربی قرار دهد. از آنجمله می توان گفت و در هنر غربی دیگر معتقد هستند که ارزشهای هنر ایرانی هم زنده هستند و با آسودگی شریک می باشد این هنر بنا تمام و در هنر غربی تماماً بر بیست و هفت و هشتاد خواهد نمود.

بحث در این مورد که تکلیفی ایرانی در بر خورده با هنر غربی قرن دهم کاملاً از بین رفته است. بهتر است تکلیفی گنجانیم پیشینه تاریخی هنر ایران داشته باشیم. این موضوع برای همگان کاملاً روشن است که این اولین برخورد هنر ایرانی با یک هنر بیگانه نبوده است. تجربیات گذشته نشان می دهد ظهور هنر ایران هیچگاه بسته و محدود نبوده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، ایران همیشه با تمدنهای بزرگ شرق و غرب مستقیماً در تماس بوده است. گرچه در ابتدای استیلای حکومت و در مسکونی می گمانیم. هنر ایران برای مدت کوتاهی دچار رکود نبوده ولی دوباره در مدت زمانی بسیار کوتاه شاهد شکوفایی و جلالت هنر ایرانی در آن دوره بودیم. به طور مثال: با استقرار صفه نیشیانی (۳۳۱ - ۳۳۰ ق. م) و استقرار پارسیان در هند شاهد تحصیل فرهنگ و هنر یونانی هستیم. هنر ایرانی از



• شکل شماره ۱ - مجسمه تاریخی، سوس - دوره ساسانیان (۳۳۰ ق. م)

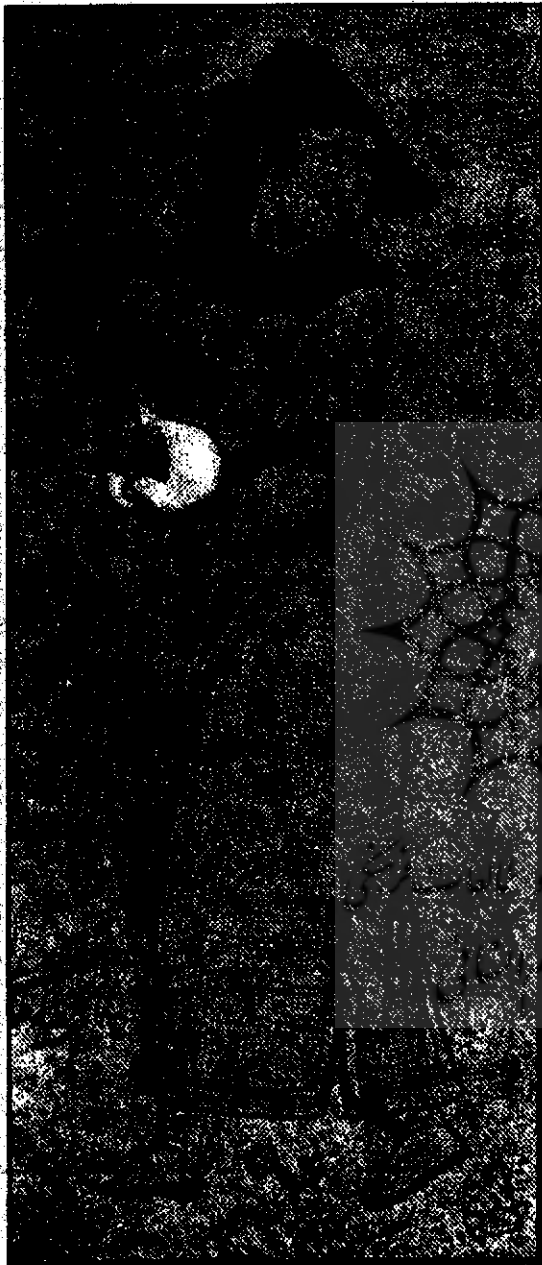
● شکل شماره ۲ - نقش برجسته روی سنگ،
تخت جمشید، شیراز، دوره هخامنشیان (۳۳۱ - ۵۵۹
ق.م)



ایران در برخورد با تمدن و هنر چین متحول شد. در طول دوره‌های مختلف در این برخوردها، هنرمندان ایرانی گاه‌آنها متأثر بوده و یا عناصری را از هنر دیگر فرهنگها اخذ کرده‌اند ولی آن را چنان با روح هنر ایرانی آمیزش داده‌اند که حاصل، کاملاً

بین نرفت. با ظهور اسلام در ایران، هنر ایرانی نه تنها بسیاری از ویژگیهای خود را حفظ کرد که خود باعث شکوفایی و رنسانس هنر ایران در دوره‌های آل بویه و سامانیان گردید. ما شاهد همین اتفاق در دوره مغول هم هستیم. بعد از حمله مغول هنر

● شکل شماره ۳- جوان و پیرمرد - رخسار عباسی، اصفهان - اوائل قرن یازده هجری - فوزه متروپلیتن نیویورک.



نقشها و فرمهای هنر بابل و سومر را اقتباس نموده و سپس آن را تعدیل کرده‌اند.^(۳) شکل حیوان افسانه‌ای شیر یالدار و سر انسان (SPHINXE) که در



ایرانی شده است. در این برخوردها هرچه را لازم بوده انتخاب و در مدت زمانی کوتاه آن را چنان اصلاح کرده‌اند که دیگر با ارزشها و شاخصهای هنر خود غریبه نبوده است. به طور مثال هنرمندان دوره هخامنشیان (۳۳۱ - ۵۵۹ ق. م) تعدادی از

هم در امتداد هنر قبل از اسلام در زمینه تزئینات و قدمای نمادین ظهور پیدا کرد. هرچند عده‌ای از محققین ادعا می‌کنند به دلائل منع تصویرگری، هنر ایران جهتش عوضی شد و تنها در این قلمرو گسترش یافت. حقیقت امر این است که هنر ایران در دوره اسلامی کاملاً بر امتداد هنر قبل از اسلام می‌باشد و در واقع در دوره اسلامی هنر ایرانی به کمال خود نائل شده است. ارنست هرنز فیلد ایرانشناس آلمانی در کتاب «ایران در شرق باستان»^(۲) در مورد تکامل هنر ایران در دوره اسلامی چنین می‌گوید: «پیشرفت تدریجی و مداوم، هنر ایران دوره ساسانیان با تحول عظیم ورود اسلام به ایران کامل شد. اعراب با خودشان هیچ هنری به این سرزمین نیاوردند. هنر ایرانی نه تنها در تماس با اسلام ادامه یافت بلکه با پذیرش فرهنگ اسلامی، قدرتمندتر از گذشته به حیات نوینی دست

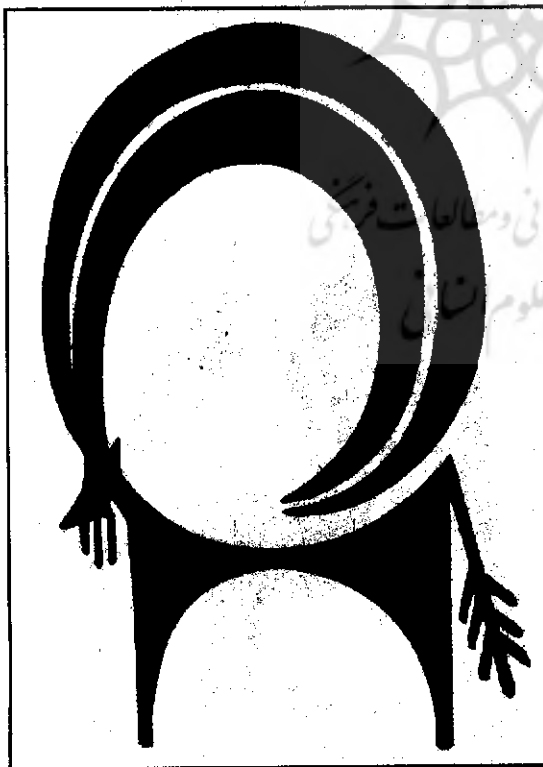
نمای خارجی سردرهای تخت جمشید قرار دارد از هنر بابلیان اقتباس شده است. همین نقش حیوان افسانه‌ای در تزئینات پارچه در دوره اسلامی هنر ایران، در زمان آل بویه (۲۲۲ - ۳۲۰ ه.ق.)، به صورت خیلی خلاصه و به گونه‌ای نقش برجسته نیز ظاهر شده است.

گرچه هنر ایران متأثر از فرهنگهای خارجی بوده ولی سیر تکاملی ارائه آثار هنر ایرانی غالباً در چهارچوب مفاهیم درونی هنرمندان شکل گرفته است. از قدیمی‌ترین آثار بر جای مانده تا به حال، همواره دو خصوصیت ممتاز در هنر ایران به چشم می‌خورد: هنرمندان کمال مطلوب (IDAL) را بر واقعیت و از طرفی دیگر ساده گی و خلاصه نگاری (STYLIZATION) را بر طبیعنگرایی ترجیح داده‌اند. هنرمندان تمایل داشته‌اند آن چیزی را که می‌خواستند نمایش دهند تا آن چیزی که دیده می‌شد. این ویژگی‌ها در طول هنر ایران همواره قابل مشاهده است. به طور مثال نوع طراحی چین لباس مجسمه داریوش اول (شکل یک ۱) و یا نقش برجسته‌های تخت جمشید (شکل دو ۲) با چین لباسها در نقاشی‌های دوره صفویان (۱۱۲۸ - ۹۰۵ ه) (شکل سه ۳) شبیه هستند.

همه این نمونه‌های چین لباس با شکل حقیقی مطابقت ندارند. ممکن است ایراد گرفته شود که چرا با عالم حقیقی شباهت ندارند؟ ولی چقدر چین این جامه‌ها کاملتر، مرتب‌تر، فاخرتر و لذتبخش‌تر از هر چین لباسی که ما در جهان واقعی مشاهده می‌کنیم، می‌باشند!

هنر ایران چه قبل از اسلام و چه در دوره اسلامی، دارای یک سری شاخص‌ها و ارزشهای ثابت می‌باشد. یکی از مهمترین شاخص‌های آن ارتباط بسیار نزدیک بین هنر و آداب معنوی برگرفته از مذهب می‌باشد. این ارتباط یکی از مهمترین عامل شکل دهنده هنر ایران است. در هنر ایران قبل از اسلام، در آئین زرتشت هم این ارتباط کاملاً هویدا می‌باشد.

هنرهای تجسمی در این دوره غالباً بر جنبه‌های تزئینی آنها تأکید شده و در برگیرنده مفاهیم نمادین هستند. هنر ایران در دوره اسلامی



● شکل شماره ۲ - نقش روی سفالی شوش، هزاره چهارم قبل از میلاد، موزه لوور پاریس.

یافته در تائید این نظر در جام منظوم شوش، هزاره چهارم قبل از میلاد، هیکل بزکوهی با شگفتیهای بیگانهای تجربه‌ی کار شده است. و بدن جانور نیز به صورت بسیار ساده طراحی شده (شکل ۲). همین اتفاق نیز در طراحی نقوش پرنده بر روی سفالهای نیشابور در دوره ساسانیان (۲۲۵-۶۵۰) هم دیده می‌شود (شکل ۳). در اینجا نیز هنرمندان چند فرم منحنی و نقوش اسلیمی نقوش پرزده را به ساده‌ترین شکل طراحی کرده‌اند.

ارتباط بین هنر و دین در طول دوره اسلامی بیشتر از هر زمان دیگر شکوفا و توسعه یافته. هنرمندان بسیاری از مفاهیمهای قبل از اسلام را تقویت و معنا و مفهوم کاملاً نو و هماهنگ با جهان دینی اسلامی به آنها یادمانند. هنر دوره اسلامی اساساً یک هنر تزئینی و نمادین است و اصولاً هنر اسلامی در این خصوص توفیق داشته است. شاید یکی از مهمترین دلایل این ویژگی در هنر ایران، در حقیقت، روح اسلام و آداب معنوی است که طبع و ابعاد معنوی هنرمندان را به این جهت شکل داده است. به طور مثال بسیاری از حکما مثل مولوی و شبستری معنوی اینکه قصد شعر گفتن

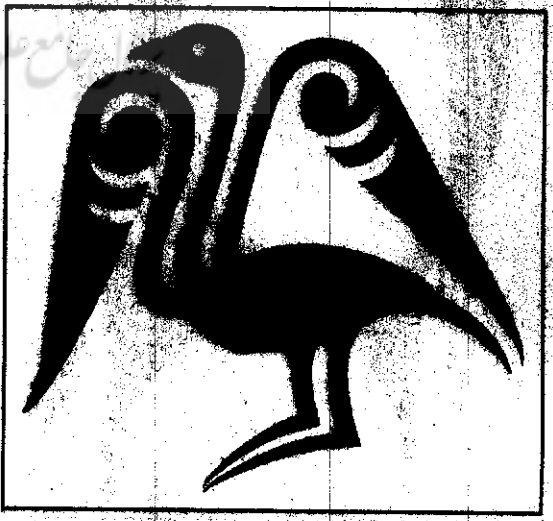
را داشته باشند بیفتان خود را در قالب شعر بیان داشته‌اند. (۵) به همین سبب آثار توسی هنرمندان

برگرفته از حال و طبع روان آنها به شکل گویای تجسم یافته تا در قالبی واقعی.

متأسفانه امروز شواهدات مکتوب بسیار اندکی در ارتباط با تأثیر ابعاد آداب معنوی بر آثار هنرمندان در دست است. چه‌اشکاف است که یکی از هنرمندان

خوشنویس اواخر ساجان در کتاب مکتوب لامشق، در این باره اشاراتی دارد. او چنین گوید: «تعمیر و زیاده و ترک انتهای منوی به قلب هنرمند را به سوی زیبایی حقیقی متعلق می‌نماید و این زیبایی در آثار هنرمند، هویدای خود را نشان می‌دهد. همین طوری باشد که در هنر ایران علاوه بر زیبایی که برگرفته از زیبایی امروز هنرمند می‌باشد، در آثار هنری مکتوب عموماً رابطه‌ی تنگ شرفی در کتاب منظوم می‌باشد. در تأیید این موضوع می‌گویم که در یک نویسنده هنر زیبایی یک شاعر، تکلیف زیبایی یک نقاش و یک بنای زیبا از یک معمار، برگرفته از زیبایی درون هنرمند است. در انصاف چنین بیان می‌دارد: زیبایی بیرون هر اثر هنری که با چشم سر دیده می‌شود، حتی توسط کودکان و حیوانات محسوس است، اما زیبایی درونی اثر تنها توسط چشم دل و نور درونی انسان، قابل دریافت است» (۶) کاشانی‌نسکی هم مطالبی به همین مضمون دارد که معتقد است یک کار هنری از دو عنصر تشکیل شده است که یکی از آنها درون و دیگر بیرون است. درون همانا احساس موجود در روح هنرمند است. این احساس توانایی برانگیختن احساس مخاطب را در پیونده دارد. (۷)

برای رسیدن به ارزشهای هنر ایرانی باید به مهمترین عامل رشد و تکامل آن، که همانا ارتباط نزدیک با فرهنگ و سنتهای این سرزمین است توجهی شایان شود. عنایت به فرهنگ و سنتهای این سرزمین و از طرفی دیگر ابتکار و نوآوری است که مایه اصلی تحول می‌باشد نقوش مهر را ایفا می‌کنند. سنت زمانی زنده است که در آن ابتکار و طرح خوب باشد و اگر آنرا از فرهنگ و سنت گذشته بگیریم حرکت را مانع شدیم. در حوزه هنر ایران



شکل شماره ۳ - نقوش روی سفال نیشابور - قرن چهارم هجری - موزم ملی ایران

● شکل شماره ۴ - نقش روی سفال نیشابور -
قرن چهارم هجری - موزه هنر لوس آنجلس.



ایرانش، امیرکبیر، ۱۳۶۷، صفحه ۳۹۲.

۴- البته مضامین این نقوش بر اساس جهانبینی زرتشت تغییر پیدا کرده است مثلاً نقش فرورگر که از هنر سومریان گرفته شده است با تغییراتی دیگر نماد شاه سومر نیست بلکه در اینجا به نمادی مذهبی با ظاهری کاملاً مذهبی تبدیل شده است.

۲- Ernst E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*, London, Oxford University Press, 1941, p. 340.

شده طور مثال فیستری بر این باره می‌گوید:

همه دانستند کس در همه عمر

نکرده هیچ قصد گفتن شعر

«گلشن راز»

در نگارنده مفهوم مطالب فوق را از متن انگلیسی مقاله زیر برگرفته است:

R. Ettinghausen, "Al-Ghazali on Beauty" in
Art and Thought, Garland publishing
Ed. k. Bharathalyet, London: 1974, pp. 166-63.

۷- لوسیه مریر، زیباشناسی بصری، ترجمه ع. شروه، تهران (شبانگ)، ۱۳۷۶، صفحه ۱۷۲.

تاریخ هنر ایران، هرگاه هنرمندان نسبت به اصول و سنتها کمتر توجه داشته‌اند شاهد محو شدن ارزشهای والای هنر ایران در میان مردم و جامعه بوده‌ایم. شناخت تحولات جامعه‌ای که هنرمند در آن زندگی می‌کند نیز از اصولی است که هنرمندان می‌بایستی نسبت به آن آگاهی داشته باشند. به طور مثال در دوره شاه عباس (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ) در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی که در جامعه بروز کرد باعث گردید در هنر نقاشی ایران رکودی ایجاد شود ولی، رضا عباسی با ابتکار و نوآوری و رواج نقاشی تک و رقی، هرچند مسیر این هنر را تغییر داد، اما تحول و تحرکی جدید را در هنر نگاره‌گری به وجود آورد.

برای شناسایی ارزشهای هنر ایران باید پایه و اصول این هنر را به دقت مورد بررسی قرار بدهیم. پژوهشهای صد ساله اخیر که توسط متخصصین خارجی انجام شده، بیشتر به جنبه تاریخی پرداخته شده و هیچگاه کوششهایی در جهت آموزشی، رونق و تجدید حیات آنها مطرح نبوده است. مقاسفانه کمتر پژوهشگر ایرانی را سراغ داریم که به صورت کامل در این امر تحقیق و ارزشهای جاودانه این هنر را معرفی کرده باشد. حال بر همگان واجب است تا برای انبوه این هنر، راهها و روشها را شناسایی کرده و با فراهم نمودن بستری متناسب با شأن این هنر، مرتکب وقوع همان رستاخیزی که پیش بینی شده است را پدید آوریم. تاریخ چند هزار ساله هنر ایران نشان داده است، هرگاه شرایطی مناسب مهیا شده است ارزشهای جاودانه این هنر همچون آتش زهر طلسم است. شعله و رو همه جا را روشن کرده است، هرچنان که روشن کنیم که در این هجوم و یا حضور فرهنگ جهانی، هنری ماندگار است که از شایسته‌های جاودانه هنر ایرانی برخوردار باشد.

۱- نیتوس بورکهارت، هنر اسلامی، زبان ویان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵، صفحه ۶۹.

۲- نگاه کنید به *L. Dorer, Persian miniature painting*, Dorset Publications, New York, 1973, p. 163.

به: بازیگری و دیگران، سیر تاریخ نقاشی ایران - ترجمه محمد